بسم الله الرحمن الرحيم

دانشکده هنر

پایان‌نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشتهٔ نقاشی

عنوان پایان‌نامه

بررسی نفوذ نقاشی چین در نگارگری مکتب هرات

استاد راهنما

آقای کاظم چلیپا

عنوان پروژه عملی

انسان و کویر

استاد مشاور

آقای مرتضی افشاری

نام دانشجو

امین رستمی زاده

دی ماه۱۳۸۸

دانشکده هنر

به نام خدا

تمامی حقــوق مادی و معنوی این پایان نامه تحصیلی متعلق به دانشــگاه شاهــد اســت و هر گونه نقل مطالب با ذکر نام دانشگاه شاهد، نام استاد راهنما و دانشجو بلامانع است. دانشجویان در صورتی می توانند نسبت به چاپ مقالۀ مستخرج ازپایان نامۀ خود اقدام کنند که مقاله مورد تأیید استاد راهنما قرار گرفته باشد. همچنین به هنگام چاپ مقاله ذکر نام اســتاد راهنــما ضروری است. عدم رعایت موارد فوق موجب پیگرد قانونی است.

« معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی»

دانشکده هنر دانشگاه شاهد

چکیده پایان‌نامه

این چکیده به منظور چاپ در نشریات دانشگاه تهیه شده است

عنوان پایان‌نامه: بررسی نفوذ نقاشی چین در نگارگری مکتب هرات

استاد راهنما: آقای کاظم چلیپا

استاد مشاور: آقای مرتضی افشاری

نام دانشجو: امین رستمی زاده

شماره دانشجویی:۸۵۷۴۹۵۵۰۲

رشته: نقاشی

چکیده

سنت دیرینه و حاکم بر مسیر تحول و تکامل همه ی هنرها، تاثیر هر یک بر دیگری و مبادله ی سبک های مختلف هنری بوده است. در این میان سرزمین چین و ایران، به عنوان دو تمدن بزرگ و تاثیرگذار، سابقه ای کهن در روابط تجاری و فرهنگی داشته اند. این روابط زمینه را جهت تاثیر پذیری هنر نگارگری ایران در دوره های مختلف، از نقاشی چین فراهم کرده بود که از ابتدا به واسطه نگارگری مانوی وارد نقاشی ایران، و در ادامه با نفوذ سلجوقیان و حمله مغولها در دوره های بعدی به ویژه نگارگری مکتب هرات، جلوه ی بارزی پیدا نمود. این رساله به بررسی هنر نقاشی چین و ویژگی های تاثیرگذار آن بر نگارگری مکتب هرات پرداخته است و در این زمینه با جمع آوری تصاویر از کتابها و منابع اینترنتی، از هر گروه چند نمونه شاخص مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. بر این اساس مشخص شد که نگارگری در دوره ی نخست هرات، شاهد جلوه های روشن تری از حضور نقاشی چین نسبت به دوره ی دوم بوده است و این تاثیر پذیری در مواردی چون : همکناری شعر و نقاشی، طبیعت پردازی و جلوه های تزیینی آن، مفهوم جدیدی ازفضا، ارتباط بین عناصرتصویر و کاربرد مرقعات با اسلوب سیاه قلم نمود پیدا کرده است. در ادامه، این نکته نیز مشخص شد که برخورد نقاشی چین با نگارگری ایران، به هماهنگی و همسازی عناصرآن انجامید و اینکه نگارگری در این دوره هرگز تحت سلطه نقاشی چین نبوده و توانسته ویژگیهای برجسته و غنی خود را همچنان حفظ کند.

واژگان کلیدی: نقاشی چینی ـ نگارگری ـ تیموری ـ هرات ـ بهزاد

نظر استاد راهنما: برای چاپ در نشریات مربوط به دانشگاه مناسب است.

امضاء تاریخ

فهرست مطالب

چکیده.....أ
واژگان کلیدی.....أ
پیشگفتار.....ب
مقدمه.....۱
کلیات تحقیق.....۳
فصل اول: هنر نقاشی چین
جغرافیا.....۶
فرهنگ وتمدن چین.....۷
هنر چین و آرمانهای بنیادی آن.....۷
نقاشی چین.....۹
پیشینه نقاشی در چین ودوره های آن ۱۰
۱- دوره هان (قرن ۳ ق.م تا ۳ ب.م).....۱۲
۲- دوره تانگ (قرن ۴ تا ۱۰ م).....۱۳
۳- دوره سونگ (قرن ۱۰ تا اوایل ۱۴. م).....۱۴
۴- دوره یوان (قرن ۱۴ تا ۱۵ م).....۱۷
۵- دوره مینگ (قرن ۱۵ تا ۱۷ م).....۲۱
۶- دوره چینگ (قرن ۱۷تا ۱۸ م).....۲۲
مضامین نقاشی چینی.....۲۲
۱- مضمون عرفانی، فلسفی و دینی.....۲۲
آئین های بزرگ چین و تأثیر بر نقاشی.....۲۳
۲- مضمون اساطیری.....۲۶
جمع بندی.....۲۷
فصل دوم: تاثیر نقاشی چین بر نگارگری ایران از ابتدا تا دوره تیموری
سرچشمه نگارگری ایران.....۲۹
هنر مانوی و بهره گیری از نماد.....۲۹
نگارگری مانوی ومنشا آن.....۳۰

تأثیرپذیری نگارگری مانوی از بودا و هنر چین..... ۳۱
نگارگری اسلامی و اثرپذیری از نقاشی آسیای میانه و چین..... ۳۲
هنر تصویری ایران و دو شعبه اصلی..... ۳۳
مکتب عباسیان و تأثیرپذیری از شرق..... ۳۴
سامانیان و پیشینه حضور نقاشان چینی در ایران..... ۳۵
غزنویان و سنت تصویری آسیای میانه و چین..... ۳۶
دوره سلجوقیان و تأثیر از مکتب مانوی و بودایی ۳۶
عصر استیلای مغول و تأثیرات بارزتر نقاشی چین..... ۳۹
عناصر تأثیرگذار نقاشی چین در نگارگری این دوره..... ۴۰
مکتب ایلخانی، ویژگی ها و نسخه های مصور آن با تاثیر از نقاشی چین..... ۴۰
نگارگری در دوره آل اینجو و تأثیرپذیری از چین..... ۴۸
نگارگری در دوره آل مظفر و تأثیر اندک عناصر چینی..... ۴۹
نگارگری در دوره جلایریان و نسخه های مصور این دوره با تاثیر از نقاشی چین..... ۴۹
جمع بندی..... ۵۱
فصل سوم: نفوذ نقاشی چین در نگارگری مکتب هرات
بخش اول: تیموریان و نگارگری دوره ی هرات..... ۵۳
ظهور تیموریان و اوضاع فرهنگی و هنری در این دوران..... ۵۳
نقاشی در زمان تیمور با الهام از تاثیرات خاور دور..... ۵۳
دوره پس از تیمور(نگارگری در زمان اسکندر سلطان و ابراهیم سلطان)..... ۵۶
مکتب نگارگری هرات..... ۵۸
تاریخ هرات و عظمت آن در عصر تیموریان..... ۵۸
سلطنت شاهرخ و پیشرفت فرهنگی و هنری..... ۵۹
کتابخانه سلطنتی هرات..... ۶۰
نگارگری در دوره شاهرخ و نسخه های مصور..... ۶۱
حکومت بایسنقر میرزا و اوضاع فرهنگی و هنری..... ۶۳
ویژگی نگاره ها در این دوره و نسخ مصور..... ۶۴
دوره پس از بایسنقر، نسخه های مصوروویژگی های آن..... ۶۷
تصویر باغ و ارتباط با شعر و نقاشی..... ۷۰

دوران پس از شاهرخ و سلطنت سلطان حسین بایقرا(وضعیت فرهنگی هنری)..... ۷۰
گرایش های نو در نگارگری این دوره و بازتاب آن..... ۷۱
نسخه های مصور..... ۷۳
ویژگی های نقاشی مکتب هرات در این دوره از نظر موضوع..... ۷۴
درآمدی بر دو نقاش برجسته مکتب هرات..... ۷۵
دوران بعد از سلطان حسین بایقرا..... ۷۷
بخش دوم:ویژگی های تاثیرگذار نقاشی چین بر مکتب هرات..... ۷۹
زمینه ساز تاثیرپذیری از نقاشی چین:..... ۷۹
الف- روابط با چین در دوره تیموریان (شاهرخ و بایسنقر)..... ۷۹
ب ـ ادامه سنتهای گذشته..... ۷۹
روابط تجاری و فرهنگی با چین و بروز تاثیرات آن..... ۷۹
دوره مینگ و ویژگی ها..... ۸۱
نقاشان این دوره و خصوصیات کاری آن ها..... ۸۲
ویژگی های تاثیرگذار نقاشی چین بر مکتب نگارگری مکتب هرات..... ۹۴
۱- همکناری خوشنویسی و شعر با نقاشی..... ۹۴
شعر چینی و ارتباط با شعر فارسی..... ۹۵
۲- عشق به طبیعت..... ۹۵
۳- نمادگرایی..... ۹۶
عناصر تصویری طبیعت و نمادگرایی..... ۹۷
۴- حیوانات افسانه ای و واقعی..... ۱۰۷
۵- حرکت..... ۱۱۲
۶- طراحی و ترجیح خط بر رنگ..... ۱۱۲
۷- طراحی پیکره ۱۱۵
۸- مفهوم جدید از فضا و ارتباط بین عناصر..... ۱۱۵
بخش سوم: بررسی نسخه های مکتب هرات..... ۱۱۹
نگاره های تک برگی، مستقل و مرقعات..... ۱۵۵
اسلوب سیاه قلم..... ۱۶۱
تاریخچه اسلوب سیاه قلم در ایران..... ۱۶۱

شیوه سیاه قلم در مکتب هرات با تاثیرپذیری از الگوهای چینی.....۱۶۴
محمد سیاه قلم و منشأ آثار او.....۱۶۶
موضوع، سبک و ویژگی های آثارمحمد سیاه قلم.....۱۶۷
اهمیت خط در آثار سیاه قلم.....۱۶۹
ارتباط نقاشی های سیاه قلم با سفرنامه غیاث الدین محمد نقاش (تاثیرپذیری آثار محمد سیاه قلم از عناصر چینی).....۱۶۹
دیگر نگاره ها با اسلوب سیاه قلم و متاثر از چین.....۱۸۲
نگاره های تک برگی بهزاد با اسلوب سیاه قلم وتاثیر از چین.....۱۸۷
فصل چهارم: جمع بندی، یافته های پژوهش.....۱۹۳
نتیجه گیری.....۱۹۶

پیشگفتار

با مطالعه نگارگری ایران در دوره های مختلف، به روند تکاملی آن که ناشی از برخورد با فرهنگهای گوناگون در زمینه هنر بوده پی خواهیم برد. یکی از این دوره ها مکتب نگارگری هرات است که با تنوع در سبک، تکنیک و موضوع، شاخص جلوه می کند.

در میان آثار بر جای مانده از این مکتب، نسخه های مصورجالب توجه و نگاره های تک برگی زیادی به چشم می خورد که با مطالعه دقیق تر، به تاثیر نقاشی چین در این آثار پی می بریم. برای نمونه می توان به مجموعه مرقعاتی اشاره کرد که متعلق به محمد سیاه قلم و کمال الدین بهزاد، دو نقاش برجسته این دوره، می باشد. از آنجا که فضا و موضوع نگاره های محمد سیاه قلم و همچنین زندگی او همیشه برایم جذاب و در عین حال مرموز بود و اینکه رساله هایی نیز در باب بررسی کارهای او به رشته تحریر در آمده بود، موضوع پایان نامه خود را با عنوان « بررسی نفوذ نقاشی چین در نگارگری مکتب هرات» انتخاب کردم.

منابع بررسی حول این تاثیرات در برخی از نسخه های این دوره، به ویژه دوره دوم نگارگری هرات زیاد نیستند و تمرکز همین منابع اندک و پراکنده در کتابخانه های تهران، زندگی در شهرستان و بُعد مسافت موجب شد که دسترسی به اندک منابع موجود نیز محدود باشد. با این همه سعی شده از همین منابع محدود و سایتهای اینترنتی، مجموعه ای قابل ارزیابی جمع آوری و ارائه شود تا گوشه ای از این اثر گذاری و تاثرپذیری، دقیق تر دیده شود.

در ادامه از راهنماییهای استادان ارجمند، جناب آقای چلیپا و جناب آقای افشاری، کمال تشکر رادارم.

ضمن قدردانی از همه عزیزانی که مرا در انجام این رساله همراهی کردند، امید است این مجموعه با همه ی نقایص و کمبودها بتواند مطالب مفیدی به مخاطب ارائه نماید.

مقدمه

عناصر تزیینی و نقشمایه ها، در هر یک از زمینه های هنری، برگرفته از ویژگی هایی است که در آثار پیشینیان در همان زمینه یافت می شود. موضوعی که در اینجا به بحث و بررسی آن می پردازیم، تاثیر عناصر و ویژگیهایی است که در یکی از با شکوهترین دوره های نگارگری ایران بروز می کند. ایرانیان پیش از اسلام با خاور دور در ارتباط بودند؛ در دوره ساسانی در کارگاههای بافندگی چین، پارچه هایی با تزیینات ایرانی عصر ساسانی و در کارگاههای ایران، پارچه هایِ دارایِ تزیینات و نقوش چینی بافته و تهیه می شد. از عواملی که زمینه ساز ورود نقاشی چین به ایران شد، حضور مانویان در آسیای مرکزی بود. تماس نزدیک این فرقه مذهبی و هنرشان با بوداییان هند و هنر چین، منجر به تاثیر نگارگری آنها از نقاشی چین گردید.

و اما می توان گفت پیشینه حضور نقاشان چینی در ایران به عهد سامانیان می رسد. چنانکه گفته اند یکی از امیران سامانی، نقاشان چینی را به مصور کردن متون منظوم کلیله ودمنه گماشته بود. غزنویان هم مانند سامانیان، علاقه به نقاشی را از خود نشان دادند و احتمالاً هنرمندان آسیای میانه را برای تزیین کاخ هایشان به کار گرفتند.

جانشین موفق غزنویان، سلجوقیان ترک نژاد(سکونت اولیه در آسیای مرکزی) بودند. آنها قبل از رویارویی با فرهنگ و هنر ایران، با مانویان برخورد کردند وآنچه را که آنها با خود به آسیای مرکزی آورده بودند، به ایران برگرداندند. بنابر این سلجوقیان عامل ورود عناصر هنر نگارگری مانوی(چینی)به ایران بودند. دوران ثبات و آرامشی که سلجوقیان به وجود آوردند در دهه های پیش از حمله ی مغول شکوفا گردید، اما آنچه خلق شده بود با هجوم این اقوام از میان رفت. پس از تهاجمات مغولها در قرن هفتم هجری به ایران و چین، دو کشور دارای مناسبات فرهنگی و هنری گسترده ای شدند. از آنجا که مغولان شیفته و دلباخته غنای عناصر چینی بودند، موجی از مضامین و نقشمایه های چینی مانند: اژدها، ققنوس، نیلوفر، ابر چینی و... وارد نگارگری ایران شد و هنرمندان وظیفه دگرگون کردن این عناصر و هماهنگی آنها با روح فرهنگی خود را بر عهده گرفتند.

ظهور تیموریان در صحنه ی تاریخ، مرحله تازه ای در بالندگی هنرهای تجسمی درباری و همگون سازی مضامین نقاشی چین، با ذوق و سلیقه ی ایرانی بود. با اینکه تیمور در آغاز بر آن شد تا چین را ضمیمه ی متصرفات امپراتوری خود کند، ولی جانشینان او این سیاست را واگذاشتند و روابط بازرگانی و سیاسی خود را برپایه احترام متقابل استوار ساختند. مراحل

شکل گیری هنر تیموری با امپراتوری سلسله مینگ همزمان بود. در این دوره روابـط فرهنگـی هنری عمیق گردید واز طرف حاکمان تیموری، گروههایی متشکل از هنرمندان به دربـار چـین فرستاده شد. نقاشی ایران در دوره هرات، طیف تازه ای از نقشمایه های چینی را تجربـه کـرد. برای مثال می توانیم به نسخه های مصوری چون: مجمع التواریخ حافظ ابرو، شـاهنامه محمـد جوکی، معراج نامه و... اشاره کرد که از نمونه های بارزی است که متاثر از چین می باشد و یـا حضور بارز مرقعات با اسلوب سیاه قلم در نگارگری این دوره، که برگرفته از خاور دور است. نگارگران ایرانیِ ایـن عـصر، عناصـر ریـز نقـش نگـارگری چینـی را بـه وام گرفتنـد و آن را باخصوصیات زیبایی شناسی فرهنگ خود دمساز کردند.

به طور کلی می توانیم بگوییم که نقاشان ایرانی، نگاره ها و نقوش چینی را به عنوان نمونـه ای آرمانی می نگریستند و می کوشیدند تا از آنها تقلید و نمونه گیری کنند، با این حال تاثیر هنـر نگارگری چینی در نگارگری و نقاشی ایرانیِ دوره های ایلخانی و تیموری، به اوج خود رسید.

این پژوهش که مشتمل بر سه فصل می باشد به شرح و بسط این موضوع پرداخته است؛

فصل اول به بررسی هنر نقاشی چین و معرفی دوره ها و ویژگی ها پرداخته است.

فصل دوم به مروری بر نگارگری ایران از ابتدا تا دوره تیموری مـی پـردازد و همچنـین تـاثیر عناصر نقاشی چین در نگاره های آن بیان می گردد.

فصل سوم مشتمل بر سه بخش است: بخش اول به بررسی ویژگی نگاره های دوره تیموریان و مکتب هرات اختصاص یافته، بخش دوم به بر شمردن عناصر تصویری نقاشـی چـین در دوره مینگ پرداخته که در برخی از نگاره های مکتب هرات تاثیر گذار بوده انـد و بخـش سـوم بـه تحلیل نمونه هایی از نسخه های هرات می پردازد که بیشترین تاثیر پذیری را از ویژگـی هـای نقاشی چین داشته اند.

کلیات تحقیق

تعریف مساله

نفوذ سلجوقیان و مغول ها واسطه راهیابی هنرهای چینی از جمله نقاشی به خاورنزدیک بود و تاثیر این هنر در نگارگری و نقاشی ایرانیِ دوره های ایلخانی و تیموری به اوج خود رسید و موجب هماهنگی و همسازی هنرخاوردور و نزدیک شد. نگارگران ایرانی در این دوره، عناصرنگارگری چینی را به وام گرفتند و آن را با خصوصیات زیبایی شناسی فرهنگ خود دمساز کردند.

سوالهای اصلی تحقیق

- آیاعناصر نقاشی چین درنگارگری مکتب هرات تاثیر گذار بوده است؟
- آیا مکتب نگارگری هرات با تاثیر ازعناصر چینی راه تکامل را طی کرده است؟

پیشینه تحقیق

کتاب

- صورتگران وخوشنویسان هرات درعصر تیموری(مغیمی، علی احمد)

(این کتاب به معرفی و شرح حال نقاشان و خوشنویسان عهد تیموری پرداخته است)

- مکتب های دوره تیموری، ترجمه خلیلی، محمدعلی، تهران، اقبال،۱۳۲۰

(این کتاب ضمن بررسی مکاتب دوره های پیش به بررسی مکتب های دوره تیموری پرداخته است)

- مکتب نگارگری هرات، یعقوب آژند، تهران، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۷

(این کتاب دربخش اول به ارزیابی مرحله پیشین مکتب هرات درروزگارشاهرخ و بایسنقر می پردازد و دربخش دوم مرحله پسین مکتب هرات را برمی کاود.)

مقاله

- آژند، یعقوب، تاثیرعناصرو نقشمایه‌های چینی د رهنرایران، هنرهای‌زیبا، تابستان۱۳۸۰، ش۹

(ارتباط ایران با چین بسیار دیرینه است. این ارتباط همواره ماهیت بازرگانی وفرهنگی داشته است. این مقاله به بازنمایی وجوه مختلف این تاثیر گذاری بخصوص در هنرهای تجسمی پرداخته است)

-وکیلی، بیتا، طبیعت در نقاشی شرق دور (چین وژاپن) به راهنمایی امیر حسین ذکرگو،۱۳۸۰

(پژوهشگر دراین پژوهش به بررسی بازتاب عشق به طبیعت در فرهنگ چین وژاپن پرداخته است و سیر تحول نقاشی از طبیعت را بررسی نموده است)

- کارگاه هنری سلطان حسین بایقرا، یعقوب آژند،۱۳۸۱،زمستان، کتاب ماه مهر، شماره ۱۲

(فرضیه ومحور اصلی این مقاله مبتنی برآنست که تحولات سیاسی/ اقتصادی در شکوفایی فرهنگی هنری این دوره بسیار موثر بوده است و در حقیقت اعتبارفرهنگی و هنری این دوره نتیجه اعتبار سیاسی / اقتصادی آن است)

پایان نامه

- وقاررضایی، سیما، تاثیرنقاشی چین بر نقاشی‌ایران، استادراهنما: نادعلیان،احمد،تهران،۱۳۷۸-۱۳۷۷، دانشکده هنر شاهد

(در این رساله سعی شده است تا تاثیر نقاشی چینی را بر نقاشی ایران مورد بحث و بررسی قرار گیرد. هنر چین به لحاظ ویژگی های خاص خود و تحت تاثیر افکار لائوتسه، کنفسیوس و ادیان شرق آسیا به نوعی با اساطیر مرتبط می شود. هنرمندان کشور چین ا ز قدیم در هنر و نقاشی شهرت داشته و از طریق روابط فرهنگی بین دو کشور تاثیرهای مختلفی را بر هنرمندان و نقاشان ایرانی گذاشته اند. این تاثیرها برروی ترکیب بندی ها، صورتها، ابرها، صخره ها و استفاده از وجود نمادین اساطیری مانند اژدها و سیمرغ به نحوی بارز خود را نشان داده است.

- علیخانزاده، سمیرا، تاثیرفلسفه شرق دور بر نقاشی معاصر ایران (سهراب سپهری)، استاد راهنما:مسلمیان،نصرت‌الله،استادمشاور:مسلمیان،نصرت‌الله،تهران،۷۸-۱۳۷۷،دانشگاه‌آزاداسلامی. واحد تهران مرکزی، دانشکده هنر و معماری

(هدف تحقیق بررسی و نگرش و پرداخت به فلسفه شرق دور و تاثیر آن در نقاشی معاصر ایران، خصوصا سهراب سپهری است. روش تحقیق: کتابخانه‌ای است. جامعه آماری: برای نیل به اهداف با بررسی آثار تصویری سهراب سپهری نقاشی معاصر و نقاشان معاصر و آثار تصویری نقاشان فلسفه شرق است. نتیجه کلی: در این تحقیق به بررسی فلسفه شرق دور و مکتبهای آن، نقاشی چین وژاپن و بررسی زمینه‌های گرایش هنر معاصر ایران به شرق دور پرداخته است آنچه مسلم است تعدادی از هنرمندان معاصر این دوران سعی بر آن داشته‌اند تا گامی موثر در شکل‌گیری هنری ناب در جهت هویت خویش بردارند.)

ضرورت انجام تحقیق

– باتوجه به اینکه دردوره تیموری وخصوصاً شاهرخ، رابطه با چین گسترش می یابد بسیاری ازعناصرنقاشی چینی درنگارگری مکتب هرات تاثیرگذاربوده است. در این دوره دربار هرات نسبت به تشویق هنرمندان در بکارگیری شیوه هاوعناصر نقاشی اعمال نظر کرده است. ازاین جهت مشخص شدن عناصر تصویری چین درنگارگری هرات ضروری است.

فرضیه‌ها

– به نظرمی رسد نقاشی چین درنگارگری مکتب هرات تاثیر گذار بوده است.

– به نظر می رسد مکتب نگارگری هرات با تاثیر ازعناصر چینی راه تکامل را طی کرده است.

هدف اصلی

– شناخت عوامل نفوذ نقاشی شرق دور(چین)دربخش شرقی دنیای اسلام و چگونگی بازتاب آن درنگارگری مکتب هرات

اهدف فرعی

– کشف وجوه اشتراک بین هنر چین وایران

– مشخص نمودن ویژگی های التقاطی نگارگری هرات با تاکید برهنر چین

نتایج اصلی تحقیق حاضر، چه کاربردهایی خواهد داشت؟

اینکه دلایل موثردرشکوفایی نگار گری هرات را می شناسیم وکاربرداین نتیجه به درک موثرتر ما ازویژگی های نگارگری ایرانی منجر خواهد شد.

روش انجام تحقیق و روش گردآوری اطلاعات و ابزار آن: توصیفی، تحلیلی

روش گرداوری اطلاعات: کتابخانه ای

معرفی جامعه آماری: روش نمونه‌گیری و تعداد نمونه

جامعه آماری : کلیه‌آثاردردسترس‌هم دوره بامکتب هرات ونقاشیهای‌چین.

روش نمونه‌گیری: انتخابی

تعداد نمونه: حداقل از نگارگری ایرانی ۳۰ مورد و از آثار چین ۲۰ اثر انتخاب خواهد شد.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات: کیفی

جغرافیا

چین سرزمین وسیعی است که به واسطه کوهها وبیابان های خود ازدیگر قسمتهای آسیا جدا مانده است. درسراسر مرز شمالی، صحرای مغولستان گسترده شده که تا کوههای سین کیانگ درجنوب غربی مغولستان ادامه می یابد. درقسمت عمده ای از غرب و جنوب غربی آن سرزمین تبت قرار دارد و سراسر مرزهای جنوبی چین را قسمتی بلندی های هیمالیا و قسمتی دیگررا دره های پرجنگل هندوچین پوشانده و درسراسر قسمت شرقی آن اقیانوس واقع شده است. مرزهای سیاسی و فرهنگی این سرزمین، دربرخی دوره ها دو برابر مرزهای کنونی بوده ونقاطی چون تبت، ترکستان چین، مغولستان، منچوری و بخشهایی ازکره را دربرمی گرفته است. این کشور چندین ریگزار بیابانی، رودهای خروشان، کوههای بلند وکشتزارهای حاصلخیز دارد. چین شمالی که عمدتاً دراطراف شهر پکن متمرکزشده است، آب وهوای خشک و معتدل متمایل به سرد دارد، ولی چین جنوبی مرطوب وگرمسیری است[1].

تصویر(۱-۱)

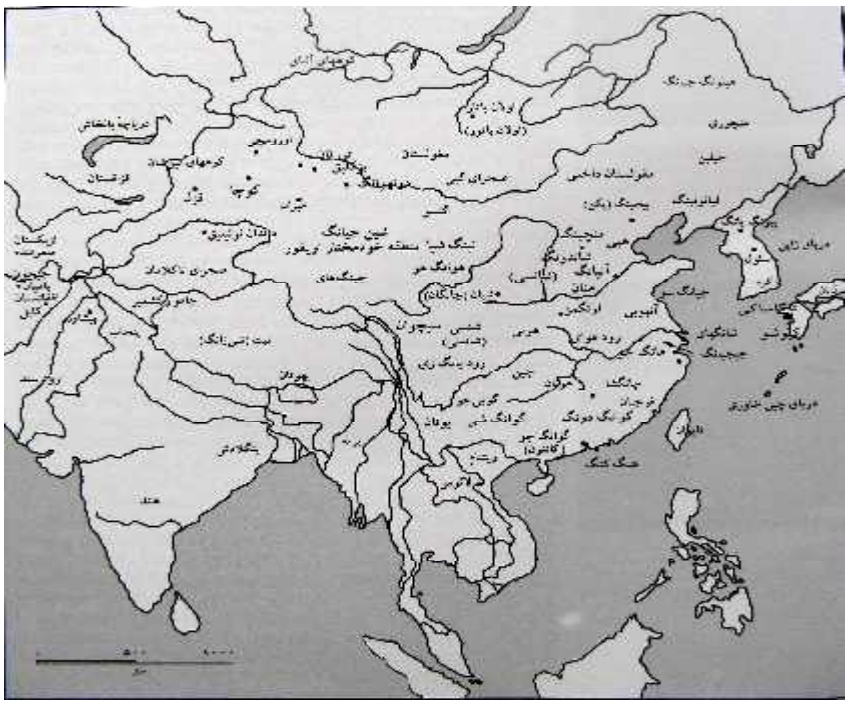

تصویر(۱-۱) نقشه چین

۱- داریوش آشوری، نگاهی به سرزمین، تاریخ، جامعه و فرهنگ چین از دیرینه ترین روزگار تا پایان سده نوزدهم، چاپ اول، مرکزاسناد فرهنگی آسیا، تهران ۱۳۵۸، صص ۱۵-۱۱

فرهنگ وتمدن چین

فرهنگ چینی مانند تمامی فرهنگ های کهن، از وحدتی درونی برخوردار است که باعث دوام و یکپارچگی آن در طول هزاران سال شده است و به همین دلیل در طرح بنیادی شیوه های زندگی، تفکر و جهان نگری آن در دوران زندگی تغییر چندانی نمی بینیم و آنچه در طول هزاره ها اتفاق می افتد تکرار الگوهای اصلی، ظرافت بخشیدن و یا شاخ و برگ دادن به آنست. هنر، ادبیات، حکمت و دین چینی جدای از هم نیستند بلکه با یکدیگر پیوندی نزدیک و چند رویه دارند و هر یک آیینه دیگری است.[1] شاید فرهنگ مدون چینی اززمان پادشاهی سلسله افسانه ای شیا (بنا به روایت ۲۲۰۵-۱۷۶۶ق.م)، اندکی پس ازتمدن دره رود سند، آغاز شد. اما تاریخ چین برخلاف تاریخ هند بدون وقفه تداوم یافت. تمدن چین از نظر قوم شناختی وزبان شناختی نیز ثباتی بیش ازتمدن شبهه قاره هنددارد. قومهای گوناگون چینی اغلب با یکدیگر در جنگ و با این همه درارتباطی تنگاتنگ هستند. قومهای چینی ـ تبتی زبان، ازآسیای جنوب شرقی تا دوردست تبت پراکنده اند.گرچه لهجه های گوناگون گفتاری چینی ها چنان با یکدیگر متفاوت است که گویش یکدیگررادرک نمی کنند، اما چینی نوشتاری همه جا یکسان است. زبان چینی به عوض الفبا دارای هزاران حرف مستقل، اغلب با منشایی اندیشه نگارانه است[2]. چینی ها با اینکه بارها تحت سلطه بیگانگان ومهاجمان قرار گرفتند ولی هیچگاه خصلت ویژه فرهنگ خودراازدست ندادندوازپیشرفت وتحول باز نماندند، ازاین رو آنها نه فقط کهن ترین فرهنگ خاور دور بلکه همواره پیشرفته ترین فرهنگ را داشته اند[3].

هنر چین و آرمانهای بنیادی آن

هنر چین بیش از هر جنبه ای از فرهنگ آن، آن را در جهان مقامی والا بخشیده و بر فرهنگ های دیگر اثر نهاده است. علم چینی به اندازه هنر آن اهمیت ندارد و حکمت چینی تأثیر پایداری در بیرون از چین و سرزمین های وابسته نداشته است. اما چیزی را که نمی توان انکار کرد و نادیده گرفت هنر چینی است. چینی ها دارای برخی ویژگی های ذاتی هستند که آن ها را تنها می توان از طریق بازتاب در هنر جستجو کرد. در نظر چینیان، هنر آیینه ی ضمیر هنرمند و بیان شخصیت و احوال اوست.[4]هنرچین، به رغم کمبودهای اسفبارازانسجام تاریخی

۱- داریوش آشوری، ص ۱۰۹

۲- فردریک هارت، سی و دو هزار سال تاریخ نقاشی پیکرتراشی معماری، موسی اکرمی و... چاپ اول، پیکان، تهران، ۱۳۸۲، ص۵۲۲

۳- رویین پاکباز، دایره المعارف هنر، چاپ سوم، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۸۷، ص۸۰۳

۴- داریوش آشوری، صص ۱۹۸- ۱۹۵

نـا متعـارفی برخورداراسـت. عناصراساسـی آن، همگـی کـم وبـیش ازهمـان آغـاز سـنت دیرپاحضورداشته اند؛ سنتی که سراسر زیر و بم آن بسط وغنا یافته، کندوکاو شده وسرانجام به گونه ای پایان ناپذیر مورد تقلید قرار گرفته است.[1] هنر چینی تا حد زیادی تحت تأثیر مـذهب بودا و در خدمت این اعتقاد است و از طرف دیـگر به علت طـرز فکـر خـاص ملـت چـین هنری است که به سنـت های گذشـته وفـادار می باشـد. در چـین قدیـم، هنـر امـری اسـت نژادی نه فـردی و طرز کار هنرمند بستگی دارد به فراگرفتن کلـیه رموز و فنونی که گذشتـگان به کار برده اند.[2]

صورتگرایی: نخستین چیزی که در هنر چینی چشم ها را خیره می کند کمال صـورت اسـت. شاید یکی از وجوه اختلاف نمایان میان هنر غربی و هنر چینی این باشد که آن یک بـر درونـه تکیه می کند و این یک بر برونه (صورت). این ویژگی را هم در خوشنویسی چینی می توان دید هم در نقاشی و هم در شعر آن. خوشنویسی چینی بیان آهنگ وشکل محـض اسـت و از این راه است که چینی ها به دریافت های اساسی خود درباب خط و کل درنقاشی رسیده انـد. هر حرکت قلم مو را تنها یک بار می تـوان انجـام داد و تغییـردادن آن محـال اسـت. بنـابراین خوشنویس چینی دست به قلم نمی برد مگر اینکه از کمال وزیبایی آنچه می نگارد یقین داشته باشد. همچنین شعرهای چینی همان آرامش ومتانت آهنگی را دارند که درنقاشی های چینی به صورت آرامش و هماهنگی به چشم می خورد. این شعرها اغلب بـه دوراز فنـون بلاغـت، و سرشار از ظرافت، دلنشینی و صمیمیت اند.

نمادآوری: در جوار صورتگرایی، هنر چینی سرشار از نمادگرایی (سمبولیـسم) اسـت. بـرای این مطلب زبان چینی مثال خوبی است. زبان چینی همچون اثری هنری است و خـطِ اندیـشه نگارِ آن بسیار نمادین است و پر از اشاره ها و کنایه ها. یک نشانه نگارشی ساده چینی معنـای بسیاری کلمات را درزبانهای دیگردر خود نهفته دارد. ویژگی دیگرزبان چینی کوتاهی آن است. زبان چینی درشکل نگارشی اش رمز نامه ای ازاشارات ظریف است. نگارگری چینی نیز چنین است و از همین سنت پیروی می کند و اندیشه ها و اشیاء را با خط هـای مجـرد تـصویر مـی کند. نقاشی چینی به فضای تهی توجهی بسیار دارد. پیچیده ترین موضوع ها باید چنان سازمان

۱- فردریک هارت، ص۵۲۳

۲- علی نقی وزیری، تاریخ عمومی هنرهای مصور (جلد۱)، چاپ دوم، ا نتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳،ص۲۲۰

یابد که تصویری که بارور از معناست با کمترین خطوط کشیده شود وبزرگترین نقش خیال برروی کوچکترین تکه کاغذ.

طبیعت گرایی: ویژگی دیگر هنر چینی طبیعت گرایی (ناتورالیسم) است. چینیان قرن ها پیش از پیدایش منظره سازی در نگارگری، در مقام هنری شاخص، طبیعت را پاس می داشتند. هنر چینی طبیعت را به نیرویی که از درون آن برمی خیزد، جاندار می بیند و غایت هنرمند اتحاد با این نیرو و سپس دادن بیانی عالی از آن در هنر خویش است. نقاشی چینی درمشاهده ی طبیعت تنها ظاهر اشیاءرا نمی بیند بلکه نظم وهماهنگی باطنی را می بیند و می کوشد آن را دراثرخود نشان دهد. ولی این به آن معنا نیست که او از مشاهده ی ظاهر ودقت در آن غافل است. بنابراین می توان گفت در همه آثار هنری چین از جمله هنر های دستی آن، نسیم سبک کوهسار، زمزمه ی جویبار، پریدن پروانه، آواز مرغان، جلوه گری گلها، چشم انداز جنگل وکوه چشم وگوش وجان را می نوازد. هرچینی ظریف اندیشی همواره درآرزوی آن بود که روزی با کناره گیری از کار جهان و یافتن فراغت در خلوت طبیعت گوشه گیرد و با رمز وراز آن دمساز شود و راز درون خود را درآن بجوید. ازاین رو چینی همواره در هماهنگی با طبیعت زیسته است، نه در جنگ با آن برای زیر چنگ آوردن آن.

الهام گیری : هنرمند هنگامی آغاز به کار می کند که از موضوع کار خود پر شده و از آن الهام یافته باشد. به عبارتی دیگر، اختیار از کف او رفته باشد و او ناگزیر از دست به قلم بردن باشد. هنرمند پیش از بر گرفتن قلم می باید ذهن خود را در جهان غوطه ور کند و تپش های قلب او با ضربان حیات یکی شده باشد. تنهاآنگاه است که او در آرامش و اتحاد با طبیعت به سر می برد، این اوج هنر است. پس می توان گفت هنرمند ابتدا موضوع را در چشم ضمیرش می بیند وسپس آغاز به کار می کند و بدین سان توانمندی او با طبیعت هماهنگ می شود وسدِ میان جهان بیرونی نمودار و جهان درونی احساس، فرو می ریزد. از این جهت است که در آثار هنر چینی، اشیاء خصلتی ما فوق طبیعی می یابند و از زیبایی جادویی بهره مند می شوند که از زیبایی های طبیعی فراتر می رود[1].

نقاشی چین

نقاشی چینی هنری است روحانی و در عین حال سرشار از زندگی، آثاری که عکسبرداری از صورت ظاهر اشیا نیست و کوشش دارد روح و جوهر اشیا را بنمایاند و القاء کند. آثاری که در

۱- داریوش آشوری، صص ۲۰۵- ۱۹۶

عین حال با چند ضربه قلم مو و با رنگ های محدود، وزن و روح و کیفیت و جنس ملایمِ عالمِ واقع را منعکس ساخته است. نقاشی چینی با همدردی و شناخت کامل عوامل طبیعی به کار می پرداخت و طبیعت و زیبایی را بدون شائبه ی سودپرستی منعکس می ساخت. شاید جهان هرگز آثاری به ظرافت نقاشی چینی نشان نداده باشد.[1] ابریشم، کاغذ، مرکب وآبرنگ مهمترین مواد کارنقاش چینی بودند. نقاشان، غالباً، تصویرها را روی طومارهای ابریشمی یا کاغذی می کشیدند. برخی از این طومارها را بردیوار منزل می آویختند. برخی دیگر، طومارهای دستی به عرض حدود ۴۰سانتی متر وطول گاه تا ۳۰ متر بودند. این نوع طومارهارا با تأنی ازراست به چپ می گشودند وتصویر پیوسته ای را قسمت به قسمت تماشا می کردند.آنها عقیده داشتنددر مرکب تمامی رنگها وجوددارد. نقاش چینی با مهارت بسیار، تنوعی ظریف از رنگسایه های مختلف را در کار خود بدست می آورد. اوپیش از آغاز عمل نقاشی ساعت ها به تفکر می نشست وانگاره را در ذهن خویش کامل می کرد. مرحله اجرا بسیارسریع و درحالتی از خودانگیختگی به انجام می رسید و پس ازاتمام کار هیچگونه تصحیح یا تغییری ممکن نبود. روش تند نگاری از ویژگی های مهم نقاشی چینی ومعیاری برای تشخیص کار استادان مختلف به شمار می آید. منظره نگاری همواره جای خاصی در نقاشی چینی داشته است و براساس نقوش اشیای مفرغی و سفالی در سال ۲۰۰ب .م (دوران هان)وپیش از آن می توان نتیجه گرفت که منظره طبیعی ازروزگاران کهن در چین مطرح شده بود. همچنین چینیان هرگز علاقه ای به کاربرد پرسپکتیو نداشتند. دراین زمینه آنان چشم انداز را، ازدیدگاهی مرتفع تا دوردست ها وفراسوی قله ها مجسم می کردند. آنها در سده یازدهم براسلوب نماهای دور و نزدیک تسلط کامل یافتند. در دوران تانگ، منظره هنوز پس زمینه ی در برگیرنده پیکره آدمی بود ولی در دوران سونگ منظره نگاری ناب در مکتب های شمالی وجنوبی به اوج شکوفایی رسید و همچون سنتی غنی تا سده بیستم پایدار ماند.[2]

پیشینه نقاشی در چین ودوره های آن

تاریخ طولانی نقاشی چین می تواند به چند دوره تقسیم شود که در هر دوره معانی و مفاهیم جدیدی در نقاشی متداول گشته است. قدیم ترین مثال های موجود از نقاشی چین، نقوش انتزاعی روی سفال ها است. ظروف سرامیک منقوش با تزئینات فوق العاده گیرا که متعلق به

۱- علی نقی وزیری، تاریخ عمومی هنرهای مصور (جلد۲)، چاپ دوم، ا نتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳، صص ۱۰۲-۹۷

۲- رویین پاکباز، دایره المعارف هنر، صص۸۰۹- ۸۰۸

۵۰۰۰ ق.م هستند، به نحو خارق العاده ای زیباییِ طراحی شیوه گرای خود را به رخ بینندگان می کشند. در قرون بلاواسطه ی قبل وبعد از میلاد، چینی ها، مراسم تدفینی را اقتباس کردند که تا حدودی یادآور مراسم تدفین مصری ها بود ودرآرامگاههای آنان مانند آرامگاههای مصریان، بازنمایی های بسیارزنده ای از صحنه ها وجوددارد که زندگی وعادات آن روزگاران کهن را منعکس می کنند.تصویر(۲-۱)

تصویر(۲-۱) مراسم استقبال، حدود سال ۱۵۰ میلادی، چاپ از روی یک نقش برجسته در مقبره ی وُولیانگ تسه

هنرمندان چینی به اندازه مصریان خطوط صاف ومکسر را خوش نمی داشتند، بلکه منحنی های پیچ دار را ترجیح می دادند. در تصویر(۳-۱) که متعلق به قرن چهارم میلادی است، متانت وظرافتی را که به هنر چینی می توان نسبت داد مشاهده می کنیم. قیافه ها، حالت ها وترکیب هنری، حد اعلای وضوح را در تصویر نشان می دهد. همچنین نشان می دهد که هنرمند چینی در آن زمان برهنردشوار بازنمایی حرکت تسلط یافته است. هیچ نشانه ای از خشکی و جمود دراین اثر قدیمی دیده نمی شود، زیرا علاقه شدید هنرمندان چینی به تموج و انحنای خطوط حالتی از حرکت وحیات به مجموعه تصویر داده است.[1]

۱- ارنست گامبریچ، تاریخ هنر، علی رامین، چاپ دوم، نشرنی، تهران، ۱۳۸۰، صص۱۳۸- ۱۳۵